

فهرست مطالب
عنوان
صفحه

چکیده

فصل اول : کلیات

۱-۱ کلیات	۲
۱-۲ بیان مسأله	۵
۱-۳ اهداف پژوهش:	۹
۱-۳-۱ هدف اصلی پژوهش	۹
۱-۳-۲ اهداف فرعی	۹
۱-۴ فرضیه ها و سؤالات پژوهش	۹
۱-۴-۱ سؤالات پژوهش :	۹
۱-۴-۲ فرضیه های پژوهش :	۱۰
۱-۵ روش تحقیق پژوهش	۱۰
۱-۵-۱ مدل تحقیق :	۱۰

فصل دوم : چارچوب نظری پژوهش

۲-۱ چارچوب نظری پژوهش	۱۱
۲-۱-۱ نظریات مرتبط با موضوع	۱۱
۲-۲ تعریف تغییرات اجتماعی	۱۵
۲-۳ عوامل تغییرات اجتماعی	۱۶
۲-۴ نظریات تغییرات اجتماعی	۱۷
۲-۵ دگرگونی اجتماعی	۲۵
۲-۵-۱ نظریه های دگرگونی اجتماعی	۲۵
۲-۵-۲ عوامل تاثیر گذار بر دگرگونی	۲۵
۲-۵-۳ دگرگونی اجتماعی: نظری به آینده	۲۶

فصل سوم : روش تحقیق

۳-۱ روش تحقیق	۳۷
۳-۱-۱ روش کتابخانه ای	۴۰
۳-۱-۲ روش تحقیق میدانی	۴۱
۳-۲ پژوهشها و کتابهای مرتبط با موضوع	۴۲

فصل چهارم : پژوهش ها و یافته ها

۴-۱ دیدگاه جریان های فکری عصر مشروطه نسبت به تجدید	۴۷
۴-۲ آشنایی ، نفوذ و اقدامات فراماسونها در ایران	۱۱۵
۴-۲-۱ جامع آدمیت	۱۳۱
۴-۳ جریان شناسی غربزدگی مشروطیت	۱۴۰
۴-۳-۱ جنبش مشروطه؛ جنبش ضد استبدادی و نه ضد استعماری	۱۴۴
۴-۳-۲ اندیشه آزادی	۱۴۸
۴-۳-۳ عقل جدی و جهان بینی عصر روشنگری	۱۵۴
۴-۳-۴ حاکمیت ملی و مذهبی	۱۶۲
۴-۳-۵ استعمار غرب	۱۶۳

- ۱۶۴..... جدایی دین از سیاست (۴-۳-۶)
- ۱۶۷..... روشن فکران و اندیشه مشروطیت (۴-۳-۷)
- ۱۷۳..... تاثیر فراماسونری بر مشروطیت (۴-۴)
- ۱۷۳..... انجمن های فراماسونری و وابسته در مشروطیت (۴-۴-۱)
- ۱۷۶..... میرزا ملکم خان (۴-۴-۲)
- ۱۷۷..... سیّدجمال الدین اسدآبادی (۴-۴-۳)
- ۱۷۸..... میرزارضای کرمانی (۴-۴-۴)
- ۱۷۹..... دوره پهلوی (۴-۴-۵)
- ۱۷۹..... ارنست پرون (۴-۴-۶)
- ۱۸۰..... قلمرو فراماسونری (۴-۴-۷)
- ۱۸۴..... خنایانتهای فراماسونها (۴-۴-۸)

فصل پنجم : نتیجه گیری و منابع

- ۲۱۴..... نتیجه گیری (۵-۱)
- ۲۲۱..... منابع

فصل اول

کلیات

۱-۱ کلیات

مقدمه

فراماسونری یا فراموشخانه جمع کانونهای برادری گسترده ای در جهان است. این کانون ها ریشه های بسیار کهنی در اروپای غربی دارند.

فراماسونری یک سازمان نیست، بلکه کانون های مختلفی فراماسون هستند. برخی از اینها با هم در رابطه اند یا کانون بزرگتری را تشکیل می دهند. برخی دیگر کم و بیش یا کاملاً مستقل اند.

واژه فراماسونری احتمالاً از freestone mason گرفته شده. freestone mason در انگلیسی به معنی سنگتراش ظریف کار است. برخی واژه فراماسونری را بنای آزاده می دانند یعنی بنایی که بدون مزد کار نمی کند. کسی که عضو فراماسونری است فراماسون یا ماسون نامیده می شود. ساختمانی که مرکز فع الیت ماسونهاست لژ نامیده می شود.

فراماسونری :

فراماسونری، یک تشکیلات مخفی است که در سطحی جهانی و با عمق و دامنه بسیار وسیعی در بسیاری مسائل سیاسی و اقتصادی و فرهنگی دخالت و اعمال نظر می نماید و در بسیاری از رویدادهای عمده تاریخ نقش مؤثری داشته و دارد.

فراماسونها معمولاً اعضاء خود را از بین افراد سرشناس و ذینفوذ جوامع انتخاب کرده و با تمهیدات و

تدابیر خاصی آنان را وارد جرگه خود می نمایند و با استفاده از انواع وسایل از تطمیع و تهدید گرفته تا محاصره ذهنی و انجام مراسم خاص، از افراد معمولی، اشخاصی سرسپرده و مطیع به وجود می آورند که از هر گونه منطق و استدلال شخصی و مستقل تهی شده و همه روابط عاطفی و اخلاقی و خانوادگی را نفی نموده و تنها در اختیار کامل این سازمان قرار گیرند و با اطاعت محض، در جهت منافع آنان گام بردارند. طبیعی است که در چنین تشکیلات مخفی، حفظ اسرار از اهم وظائف است و به کار بردن رموز و اشارات و نشانه ها و علامات از وسائل ضروری می باشد. فراماسونها، جلسات خود را در محلی که معمولاً ساختمان مخصوصی هم دارد و «لژ» نامیده می شود تشکیل داده و مقید به اجراء آداب و مراسم ویژه خویشند. آنها درجات و مراتب متعددی دارند که برای عبور از هر کدام و صعود به درجه بالاتر باید آموزشهای لازم را دیده و مراتب اعتماد و سرسپردگی را به طور کامل ثابت کرده باشند.

اینان در مراسم خویش از وسایل و ابزاری استفاده می کنند (مثل گونیا و چکش و پرگار و پیش بند و غیره) که برای آنها قائل به رموز و مفاهیم و معانی ویژه ای هستند و به هر حال همه این آداب و رسوم، برای رشد روحیه اطاعت و ایمان قلبی به این تشکیلات است. هر لژ فراماسونری یک رئیس کل به نام استاد اعظم دارد که همه اعضاء باید مطیع او بوده و از صمیم قلب استادی و ریاست او را پذیرفته باشند. سه مرکز اصلی فراماسونی (در پاریس، لندن و آمریکا) فرماندهی اصلی همه لژهای تابعه را در کشورها و شهرهای جهان به عهده دارند که در عین حال نقش سازماندهی و هماهنگی را نیز ایفا می کنند. فراماسونها با تشکیلات مفصل و منظم و پیچیده و حفاظت شده و با سابقه طولانی که طی قرون و به

ویژه از اوائل قرن هیجدهم، دایر کرده اند در بسیاری از حوادث تاریخ نقش داشته اند: جرج واشنگتن اولین رئیس جمهور آمریکا و بسیاری از رؤسای جمهور دیگر آن کشور تا امروز، ادوارد هفتم پادشاه انگلیس و بسیاری از گردانندگان انقلاب کبیر فرانسه از قبیل منتسکیو و روبسپیر و مارا و دانتون و... و قبل از آنها علماء و هنرمندان در فرانسه مثل مولیر و اصحاب دایرةالمعارف و... و بسیار افراد سرشناس دیگر از اعضاء مشهور فراماسونی هستند.

در ایران نیز افراد مؤثری قبل و بعد از انقلاب مشروطیت فراماسون اند: میرزا آقاخان نوری (عامل قتل امیرکبیر و جانشین وی) محمدحسین فروغی و پسرش محمدعلی فروغی، میرزا ملکم خان و پدرش میرزا یعقوب، حاج سید نصرالله تقوی، تقی زاده، ادیب الممالک، بسیاری از شاهزادگان قاجار، تعداد زیادی از وکلای مشروطه و زعمای دولت، افراد بیشماری از نویسندگان و مشاهیر صدر مشروطیت و بعد از آن، همگی فراماسون بودند تا برسد به حسین علاء و شریف امامی و آل و تبار اینان که کم و بیش هر کس که با کتاب و مطالعه و تاریخ سر و کار دارد تا حدودی با کار و حال اینان آشنایی دارد.

اما آنچه كه ه از همه اینها مهمتر و شایان توجه بیشتر است یافتن جواب برای این سؤال است که: «فراماسونری در خدمت کدام کشور و حکومت و آلت فعل کدام نیروی استعماری است؟».

عموما این تشکیلات مرموز را آلت دست امپریالیسم انگلیس می دانستند و می دانند و گاه وسیله استثمار و استع ماری فرانسه و لابد آمریکا نیز؛ اما به دلائل و مدارک زیر؛ فراماسونری قطعا از اذناپ و وابستگان صهیونیسم بین الملل و در جهت منافع و مطامع آن است. البته این ادعا برای اولین بار نیست اما

به هر حال توجه به این نکته می تواند راهگشای بسیاری از نقاط مبهم حرکات و رفتار این سازمان خطرناک در قرون اخیر تاریخ بشر باشد.

۲-۱) بیان مسأله

در فضای به شدت یهودی زده اروپا که در قرن ۱۳ و ۱۴ مشاهده می شود، رفته رفته نقش یهودی ها در جوامع اروپایی افزایش پیدا می کند و جمعیت هایی نظیر روزن کروز و یسویان مسیحی و یهودی، مجال فعالی پیدا می کنند. از همین جا زمینه عملی شکل گیری فراماسونری فراهم می شود.

نقش آشکار یهودیت مخفی که در صدد سلطه بر جهان است، به خوبی مشاهده می شود. در ۱۷۱۷ که تاریخ رسمی فراماسونری است، از تجمع و ادغام چهار لژ در لندن، لژ بزرگ انگلستان به وجود می آید. در بین ماسونان لژ باز هم حضور یهودیان مخفی را مشاهده می کنیم؛ آنان افرادی نظیر اندرسون و دکتر تئوفیل دزاگولیه هستند که هم در روی کار آوردن خاندان هانودر در انگلستان نقش دارند و هم در تأسیس فراماسونری سه سال بعد از روی کار آوردن خاندان هانودر.

وقتی این خاندان در انگلستان مستقر می شود، رفته رفته می کوشد حوزه نفوذ خود را بر اروپا بسط بدهد. با همکاری افرادی نظیر منتسکیو، ولتر، رسو که همکاری آشکاری با فراماسونری داشتند، توانستند در فرانسه و بعد با همکاری شخصیت های

دیگر در سایر نقاط اروپا لژهای فراماسونری را ایجاد کنند؛ توجه آنان به شرق و ایران از زمانی مطرح می شود که قصد می کنند نفوذ خود را به سمت شرق بسط دهند . طلایه دار سپاه مهاجم غرب به شرق، لژهای فراماسونری بود؛ به همین جهت در شرق هم هر جا سپاه استعماری غربی ها را مشاهده می کنیم یا در پیش آن ها یا در پس آن ها فراماسون ها، مسیونرهای مذهبی و جمعیت های تبشیری را می بینیم؛ یعنی بی درنگ پس از استقرار آن ها در مصر، هند و نقاط دیگر، لژهای فراماسونری تأسیس می شود.

علت چیست که بلافاصله با سپاه استعماری لژهای فراماسونری هم پیدا می شود؟ علت را باید در برنامه جامع آنان برای مشرق زمین و اضمحلال فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این جوامع جست وجو کنیم . هدف، ادغام این جوامع در غرب جدید و سرمایه داری مسلط غرب است و این ها با چنین هدفی وارد مشرق زمین می شوند.

در ایران از ابتدای دوره قاجار (تقریباً دهه های اولیه دوره قاجار) حضور فراماسون ها و تلاش آن ها برای بسط فراماسونری در کشور را شاهدیم . این سازمان با توجه به ویژگی هایی مذکور می تواند جمعیت های مختلف ساختارشکن را در خود جذب کند؛ ضمن این که با پنهان کاری و روش مخفیانه ای که دارد، قادر است از آسیب حکومت ها در امان بماند . بنابراین لژ های فراماسونری به مجمعی برای جمع شدن تمام ساختارشکن ها تبدیل می شود؛ یعنی کسانی که به دنبال

شکستن ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی هستند.

افرادی در لژ فراماسونری با هدف شکستن ساختارهای فرهنگی سیاسی و اقتصادی ایران با هم جمع می شوند . آن چیزی که توانست آنان را جمع کند، همان بحث تساهل و تسامح، بی طرفی مذهبی در ظاهر و پلورالیسم است . صراحتاً می گویند که افراد با هر نظر و دیدگاهی می توانند در لژ فراماسونری حضور داشته باشند . البته این تساهل ظاهر کار است، در باطن در درجات مختلفی که فراماسونرها طی می کنند، از سه تا سی و سه درجه از افراد نسبتاً مذهبی یا بی تفاوت، به افراد ملحد و معاند با مذهب استحاله می شوند.

در عرصه فرهنگی نبرد با تشیع و روحانیان شیعه در دستور کار آنها قرار گرفت فردی نظیر میرزا آقاخان کرمانی یا آخوندزاده صراحتاً به روحانیان و به تشیع حمله می کرد . آنان می کوشیدند ایران دوره باستان را در آثار و نوشته های خود احیا کنند . در طیف دیگر شخصی نظیر ملکم، همان روش منافقانه را دنبال می کند و می کوشد به روحانیان درجه دو و سه شیعه نزدیک شود که در بخشی نیز موفق بود . ملکم خان توانست تعدادی را همراه خود کند که اتفاقاً این بخش در مشروطه فعالیت چشم گیری داشتند.

ناگفته نماند که منظور از روحانیان شیعه، افرادی غیر از مراجع شیعه است؛ چرا که در سطوح دوم و مخصوصاً در سطوح سوم، هم نوایی برخی از روحانیان با این جریان را

شاهدیم . البته عده ای از آن ها متوجه
خطای خود می شوند (نظیر سید محمد
طباطبائی) و از این همکاری اعلام پشیمانی
می کنند و برخی هم تا آخر ادامه می دهند
(شیخ ابراهیم زنجانی و افرادی نظیر او) و
حتی به سمت بی دینی و الحاد هم پیش می
روند.

به هر حال در این مقطع طیفی از
روحانیان را می بینیم که تعدادشان چندان
زیاد نیست؛ اما فعالند . از سوی دیگر یک
طیف روحانیان آگاه شیعه نیز، هستند که با
دو روش در این مقطع حضور دارند که
هماهنگی و هم نوایی آن ها بعد از فتح
تهران به خوبی محسوس است : یکی، جناح
مرحوم آیت الله حاج شیخ فضل الله نوری است که
در مقابل بدعت گذاری جریان نفوذی در
مشروطه موضع گیری می کند، و یک جریان،
جریان حوزه نجف است که آیت الله آخوند
خراسانی، میرزا عبدالله مازندرانی، میرزا
حسین تهرانی نجل، میرزا خلیل و علمایی
نظیر مرحوم نایینی در آن حضور دارند
آنان هم مانند حاج شیخ فضل الله، قصدشان
آبادانی ایران، برپایی و اقامه احکا
م شرع در ایران و ... است؛ ولی در روش و مقام
عمل با یک دیگر اختلاف دارند.
بر آنیم تا در این پژوهش به چرائی
انحراف در نهضت مشروطه و تاثیر فراماسون
ها بر این نهضت برسیم .

۱-۳) اهداف پژوهش:

۱-۳-۱) هدف اصلی پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان تاثیر گذاری فراماسونری بر شرایط اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی ایران و تاثیر آن بد نهضت مشروطه میباشد

۱-۳-۲) اهداف فرعی

شناخت ماسون ها و آشنائی با مبانی اعتقادی و فکری و تاثیر گذاری بر نهضت مشروطه
نحوه نفوذ به کشورهای مستعمره
آشنائی با افراد و فعالیتهای افراد وابسته به لژهای فراماسونری در دوران مشروطه
بررسی و تبیین آثار ناشی از نفوذ فراماسونری در ایران
تعیین رابطه بین نفوذ به ایران توسط افراد وابسته و اضمحلال فرهنگی و اجتماعی و سیاسی ایران در نهضت مشروطه

۱-۴) فرضیه ها و سؤالات پژوهش

۱-۴-۱) سؤالات پژوهش :

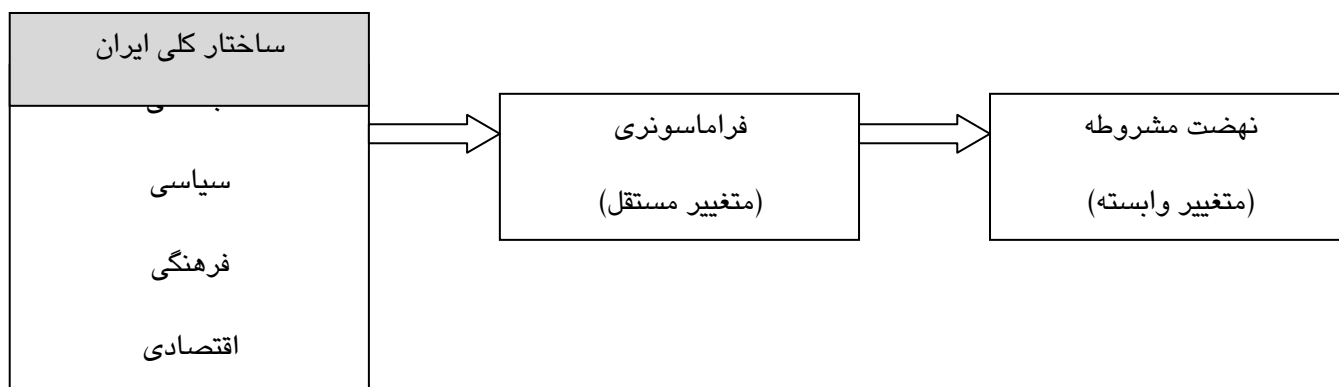
آیا بین نفوذ فراماسونری و سونرها و تغییر مسیر مشروطه رابطه وجود دارد؟
آیا بین فراماسونرها و آشنائی رهبران مشروطه با افکار نوین و عقاید احزاب سیاسی مترقی اروپا رابطه وجود دارد ؟

۲-۴-۱) فرضیه های پژوهش :

بین نفوذ فراماسونرها و تغییر مسیر
مشروطه رابطه وجود دارد
بین فراماسونرها و آشنایی رهبران
مشروطه با افکار نوین و عقاید احزاب
سیاسی مترقی اروپا رابطه وجود دارد

۵-۱) روش تحقیق پژوهش

با توجه به اسناد تاریخی و تحلیلی روش
تحقیق مورد استفاده در این پژوهش
کتابخانه ای می باشد
۱-۵-۱) مدل تحقیق :



فصل دوم

چارچوب نظری پژوهش

۲-۱) چارچوب نظری پژوهش

۲-۱-۱) نظریات مرتبط با موضوع

معمولاً تحول اجتماعی را مجموعه ای از تغییرات می دانند که در طول یک دوره طولانی طی یک یا شاید چند نسل در یک جامعه رخ می دهد . بنابراین تحول اجتماعی بر اساس تعریف فوق مجموعه فرایندهائی است که در یک مدت زمان کوتاه نمی توان آن را ملاحظه کرد . تحول اجتماعی را می توانیم به مثابه منظره واحدی بدانیم متشکل از

توده ای از جزئیات که جز از ارت فاع زیاد قابل رویت نیست.

تعییر اجتماعی بر عکس عبارت است از پدیده های قابل رویت و قابل بررسی در مدت زمانی کوتاه به صورتی که هر شخص معمولی نیز در طول زندگی خود یا در طول دوره کوتاهی از زندگی می تواند یک تغییر شخصاً تعقید نماید ، نتیجه قطعی اش را ببیند و ی ا نتیجه موقتی آن را دریابد . علاوه بر این تغییر اجتماعی در محدوده یک محیط جغرافیائی و اجتماعی معینی صورت می پذیرد و در این مورد تفاوتش با تحول اجتماعی در این است که آن را می توان در چهار چوب یک محدوده جغرافیائی و یا در کادر اجتماعی - فرهنگی خیلی محدودتری م ورد مطالعه قرار داد.

اولاً تغییر اجتماعی لزوماً یک پدیده جمعی است به عبارت دیگر تغییر اجت ماعی باید یک جامعه یا بخش مهمی از یک جامعه را در بر گیرد . تغییر اجتماعی باید شرایط ، شکل زندگی یا زمینه فکری و روحی سطح وسیعی از یک جامعه یع نی خیلی بیش از چند نفر را دگرگون نماید و این اصل مهمی است برای مشخص نمودن یک تغییر اجتماعی . ثانیاً یک تغییر اجتماعی باید یک تغییر ساختی باشد یعنی تغییری که در کل سازمان اجتماعی یا در بعضی از قسمتهای تشکیل دهنده سازمان اجتماعی حادث شود . به عنوان مثال یک اعتصاب ممکن است منجر به بهبود وضع حقوق کارگران و بالارفتن سطح زندگی آنان گردد که این یک تغییر ساختی نیست ولی اگر بتوان بعضی از تغییراتی که

این اعتصاب در سازمان اجتماعی کارخانه و یا موسسه مربوط ایجاد می کند ، مثلاً تغییر در توزیع قدرت ، تغییر در شبکه های ارتباطی و غیره را مشاهده نمود ، آن وقت می توانیم بگوئیم که تغییر اجتماعی حادث گشته است.

ثالثاً تغییر ساختی در طول زمان شناخته می گردد . به عبارت دیگر باید بتوان بین دو نقطه یا چند مقطع زمانی ، مجموعه تغییرات یا نتایج آنها را مشخص نمود و در حقیقت تغییر اجتماعی را فقط در مقایسه با یک نقطه شروع یا مرجع در گذشته می توان بررسی و ارزشیابی کرد و با توجه به همین نقطه شروع است که می توان گفت که تغییری به وجود آمده است و وسعت و کیفیت این تغییر را مورد مطالعه قرار داد .
رابعاً تغییر اجتماعی برای آنکه واقعاً یک تغییر س اختی باشد باید مداوم و استوار باشد و به عبارت دیگر فقط سطحی و زودگذر نباشد .

و بالاخره با توجه به چهار خصوصیت ذکر شده فوق می توان چنین خلاصه نمود که تغییر اجتماعی در جریان تاریخ ی یک جامعه اثر می گذارد . به دیگر سخن اگر تغییر اجتماعی خاصی حادث نمی گشت جامعه معینی مسیر متفاوتی را می پیمود .

تغییر اجتماعی در زندگی انسانها موضوع جدیدی نیست چیزی که جدید است عمومیت یافتن تغییرات است و این که یک نسل دانش جدید ما در مورد دنیای طبیعی، همه دانش طبیعی گذشته را دربر می گیرد، واژگون می سازد و تکامل می بخشد . بسیاری از مشکلات ،

از دگرگونی و رشد فهم ، مهارت و قدرت ما سرچشمه می گیرد، اینها تغییراتی هستند که می توانند انسان را از گذشته بیهوده رها سازند و در عین حال ما را در رنجی عمیق فروبرند و از اینجاست که انسان مجبور به نوعی برنامه ریزی در خصوص تغییرات اجتماعی است . تلاش های نوع انسان برای رفع مشکلات و بهبود وضعیت خویش و حذف موانع در محیط فیزیکی و اجتماعی خود نوعی از این تغییرات است . این تغییر اجتماعی یک مفهوم اغفال کننده است . از سویی قابل اجبار است و از سوی دیگر به علم و اراده افراد بستگی دارد، از یک سو آن را با اشتیاق می پذیریم و از سوی دیگر به شدت با آن مقابله می کنیم . از سویی پیرو نیاز برای تغییر، حرکات اجتماعی، فعالیت های سیاسی، خط مشی های بازرگان ی ترتیب می دهیم و از سوی دیگر به سختی در می یابیم که آنها چگونه ظهور تحمل می کنند . این تناقضات آشکار ممکن است قسمتی از افزایش توجه به تغییر را توجیه کند . فرهنگ ها چگونه گسترش می یابند؟ آیا می توان الگوها و راهبردهایی برای ایجاد تغییرات طراحی کرد؟ اینکه افراد و گ روه ها چگونه آگاهانه تغییر ایجاد می کنند؟ این سوالات که ذهن محققان را در زمینه های متعدد پر کرده است همگی حول موضوع محوری تغییر در سیستم های پویا می گردند و در این میان سعی داریم بدانیم که تغییرات اجتماعی چرا و چگونه اتفاق می افتد؟

۲-۲) تعریف تغییرات اجتماعی

تعاریف بسیار زیادی از تغییر اجتماعی صورت گرفته است که تعداد زیادی از آنها را می توان در کتاب های واگو (۱۳۷۳)، راجرز و شومیکو (۱۳۷۶)، ایزنشتات (۱۹۶۸) و روشه (۱۳۷۰) مشاهده کرد، ما در اینجا تعاریف واگو و گی روشه را توضیح می دهیم.

به زعم واگو (۱۳۷۳: ۱۳) تغییر اجتماعی فرایندی است از جایگزینی کمی و کیفی پدیده های اجتماعی که ممکن است با برنامه و یا بی برنامه باشد و مشتمل بر چهار وجه است:

هویت تغییر : همان پدیده اجتماعی است که مورد تغییر قرار می گیرد مانند الگوهای کنش متقابل، س اختار اقتدار، ظرفیت تولید و نظام قشربندی.

سطح تغییر : نوع هدف تغییر را بر اساس روش تقسیم بندی مشخص می کند، یک نوع تقسیم بندی می تواند تقسیم سطوح به سطح فردی، گروهی، سازمانی، نهادی و جامعه باشد.

دوره زمانی : عبارت است از زمانهای مختلف فرایند تغییر، از شروع تا پذیرفته شدن و پایداری تغییر.

جهت تغییر : مسیر و الگوی حرکت تغییر را مشخص می کند، تغییر ممکن است پیش رونده، یا واپس گرا باشد و یا بر اساس الگوهای متفاوت حرکت نظیر الگوهای خطی یا چرخشی انجام شود.

از نگاه گی روشه (۱۳۷۰: ۲۶) تغییر اجتماعی عبارت است از تغیری قابل رویت در طول زمان بصورتیکه موقتی یا کم دوام نباشد، بر روی ساخت یا وظیف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون کند. همچنین باید میان تغییر و تحول تفاوت گذارد تحول اجتماعی مجموعه ای از تغییرات در طی چندین نسل می باشد ولی تغییری در یک نسل یا یک دوره کوتاه مدت است و نیز در محیط جغرافیایی و اجتماعی محدود رخ می دهد. ادبیات تغییرات اجتماعی بتدریج میان تغییر و تحول تفاوت گذاشته است مراد از تغییرات تک خطی یا حتی الگوهای چرخشی تغییر همانی است که امروزه بدان تحول می گویند. (روش، ۱۳۷۰)

۲-۳ عوامل تغییرات اجتماعی

استفان واگو (۱۳۷۳) مواردی چون جمعیت، تضاد اجتماعی، جبر اقتصادی، نوآوری ها و نظام قانونی را به عنوان عوامل موثر در ایجاد تغییر اجتماعی نام می برد، وی همچنین فشارهای ساختاری را یکی از عوامل تغییر اجتماعی می دانند. از نظر واگو فشار ساختاری عبارت است از اختلاف میان دو یا چند عنصر نظام اجتماعی که می توان برای آن دلایل زیر را ذکر کرد :
عدم تعادل جمعیتی، بی هنجاری، طغیان به عنوان عکس العملی در برابر فشار، وجود کمبودهایی در جامعه، ابهام در انتظارات و نقش ها، تعارض میان نقش ها، فاصله میان

آرمان و واقعیت و عدم سازگاری با نظم اخلاقی، تضاد در ارزش ها و اضطراب در پایگاه ها.

محسنی (۱۳۷۲) نیز عوامل تغییرات اجتماعی را در دودسته عوامل ساختی یا مادی و عوامل فرهنگی خلاصه می کند . در دایره المعارف بریتانیا از عواملی چون محیط طبیع ی، فرایندهای جمعیتی، نوآوری تکنولوژیکی، فرایندهای اقتصادی، افکار و عقاید ، جنبش اجتماعی و فرایندهای سیاسی به عنوان علت تغییر نام برده شده است.

۴-۲) نظریات تغییرات اجتماعی

با وجود آنکه مطالعه تغییر اجتماعی از ابتدای پیدایش جامعه شناسی مورد توجه جامعه شناسان بوده است، ولی هنوز نظریه عامی در این مورد وجود ندارد، منظور از تئوری عام نظریه ای است که ضمن تشریح ابعاد شش گانه تعریف تغییر اجتماعی قادر به تشریح موارد زیر باشد:

- عناصری که در تغییرات اجتماعی تغییر می کند.

- علت ایجاد تغییر

- چگونگی انجام تغییر

- تفکیک عوامل دگرگونی داخل و خارج

سیستم. (جوادی یگانه و عباسی، ۱۳۷۰)

اگوست کنت برای اولین بار جامعه شناسی

را به دو بخش عمده تقسیم می کند : (۱)

جامعه شناسی استاتیک (۲) جامعه شناسی

دینامیک . موضوع مورد مطالعه جامعه شناسی

استاتیک نظم حاکم در جامعه است یعنی شیوه

ای که بر اساس آن افراد یک جامعه در بین خود نوعی تفاهم بوجود می آورند که در حقیقت ضامن وجود و ادامه حیات و عملکرد آن جامعه است، برعکس موضوع جامعه شناسی دینامیک پیشرفت و توسعه است، یعنی مطالعه تکامل جامعه از ورای تاریخ بشریت و در واقع بر اساس همین نظریه است که آگوست کنت قانون حالات سه گانه خود را ارائه داده است . تئوری کنت در قالب تئوری تکامل که از دیر باز توسط کنت، مورگان و اسپنسر مطرح شده است و در دوران معاصر افرادی مثل گرهارد و جین لانسکی آن را پی می گیرند جای گرفته، براین اساس که تمامی جوامع در تمامی جنبه های زندگی اجتماعی از مراحل خاص رشد و پیشرفت گذر می کنند و خصوصیت تمام این مراحل حرکت از ساده و ناقص به پیچیده و کامل است.

از میان دیگر جامعه شناسان می توان مارکس و انگلس را نیز صاحب نظریه جامعه شناسی تغییر دانست . آنها اعتقاد داشتند که ریشه تحولات جامعه کاپیتالیستی در تشدید مبارزه بین صاحب ابزار تولید و طبقه کارگر است که سبب از بین رفتن طبقه کاپیتالیستی و به وجود آمدن جامعه کمونیستی می شود . کسانی که به مارکس علاقه داشتند معمولاً محققانی بودند که علاقمند به تجزیه تحلیل تغییر اجتماعی بوده اند .

ریشه این همه توجه به جامعه شناسی مارکس در واقع باید در علاقمندی و کوشش جدید در زمینه مطالعات جامعه شناسی از دید تاریخی جست و جو کرد . ولی در همین زمان جامعه شناسی مارکس در عده زیادی از جامعه